



مطبوعات ایران (۳۲-۱۳۲۰ ش) نگارنده نکاتی را ملاحظه کرد که تذکر آنها را بی‌فایده نمی‌داند:

اول: توقع خواننده پژوهشگر از کتاب مورد بحث آن است که اسناد موجود در آن نمایانگر نکات ناگفته و مبهم تاریخ مطبوعات در این دوره باشد چرا که در همان اثر (ص ۷) آمده است «... هرگونه استدلالی که برپایه سند باشد معتبر و آنچه بی‌سند است و دارای سندی ضعیف است مخدوش و غیرقابل اعتناست...» وگرنه هر مراسله اداری که از سوی یک کارمند دولت به مافوق خود نوشته شده و یا هرآنچه که یک مأمور مخفی شهربانی آن روزگار (با کلیه اوصافش) به مافوق خود گزارش داده را که نمی‌توان در شمار یک سند تاریخی قلمداد نموده و دررثای آن قلمفرسایی کرد. اگر غیراز این باشد، میلیاردها، نامه، گزارش و... که طی سالیان گذشته در سازمانهای اداری نگاشته شده، و یا در سالهای آینده نگارش خواهد یافت را می‌باید به عنوان سند تلقی کرد. دوستان و یک سند موجود در مجموعه حاضر مربوط به یکی از دوران درخشان دوره حیات مطبوعات ایران است.

دوم: بدیهی‌ترین توقع از ارائه‌دهندگان یک مجموعه سند، حفظ توالی و نظم زمانی اسناد در یک مجموعه است (غیر از اسنادی که به یکدیگر استناد می‌یابند). متأسفانه این نکته در مجموعه حاضر در موارد متعدد رعایت نشده است. به‌عنوان مثال تاریخ اسناد ذیل به ترتیب شماره ۱۰ (۲۱/۸/۵)، شماره ۱۱ (۲۱/۸/۱۷)، شماره ۱۲ (۲۱/۸/۱۲)، شماره ۱۳ (۲۱/۴/۲۴)، و شماره ۱۴ (۲۱/۴/۲۹) است. **سوم:** حفظ ترتیب سند از نظر استناد آن، یکی دیگر از مسائلی است که کوششگران کتاب می‌باید خود را ملزم به رعایت آن می‌کردند. در جایی از این کتاب ابتدا پاسخ یک نامه آورده شده (سند شماره ۸، مورخ ۲۱/۴/۲۷) و سپس اصل نامه (سند شماره ۹، مورخ ۲۱/۴/۲۱) قید شده است. و در جایی دیگر ابتدا اصل نامه آمده (سند شماره ۷۹، مورخ ۲۳/۱۲/۲) و پاسخ آن پس از درج سندی دیگر چاپ شده است. (سند شماره ۸۱، مورخ ۲۳/۱۲/۲۰)، در حالی که پیروی از نظم منطقی ایجاب می‌کرد که پاسخ سند بلافاصله پس از آن قرار گیرد.

چهارم: نکته بسیار جالب در مجموعه مورد بحث، عدم وجود سندی از فعالیت مطبوعات در مقاطع بسیار حساس از تاریخ



۶ نکته مبهم در «اسناد مطبوعات ایران»

مسعود کوهستانی نژاد

بیشتر دانش‌پژوهان آنها را «بدون دخل و تصرف» منتشر نموده است. در پیشگفتار کتاب، گردآورندگان اسناد، توضیحات بیشتری از کتاب مذکور ارائه می‌دهند و می‌نویسند: «... مجموعه‌ای که جلد اول آن پیش‌روی شماست. شامل اسناد مطبوعات ایران در سالهای ۱۳۲۰-۳۲ است که در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود. جلد اول این مجموعه اختصاص به اسنادی دارد که مربوط به روزنامه خاصی نیست بلکه نمایانگر مسائل مختلفی است که به مطبوعات (به‌طور اعم) مربوط بوده است. مجلدات بعدی هر کدام شامل اسنادی است که هر یک به روزنامه خاصی اختصاص دارد...» پایان بخش این پیشگفتار تشکر کوششگران کتاب از افرادی است که در کار تهیه و تدوین مجموعه مورد بحث، همکاری داشته‌اند.

پیوست شماره یک این مجموعه، به بیان قوانین مطبوعاتی اختصاص یافته که «...از مجموعه قوانین مربوط به سالهای ۱۳۲۰-۳۲ استخراج شده است...» (ص ۲۰). در ۲۰۱ سند ارائه شده در این مجموعه، گذشته از قوانین به موضوعات مختلفی چون: توقیف دسته‌جمعی جراید و کمبود و گرانی کاغذ روزنامه نیز پرداخته شده است.

پس از مطالعه و بررسی کتاب اسناد

اسناد مطبوعات ایران (۱۳۳۲-۱۳۲۰)؛ جلد اول: کلیات و قوانین / به کوشش غلامرضا سلامی (و محسن روستایی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران؛ پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۴، بیست و ۲۲۲ ص. پس از چاپ و انتشار دو جلد کتاب اسناد مطبوعات ایران (از مشروطه تا شهرپور ۱۳۲۰ ش) اخیراً سازمان اسناد ملی ایران اقدام به انتشار جلد نخست از اسناد مطبوعات ایران در سالهای ۱۳۲۰-۳۲ ششمی کرده است. در این کتاب اسنادی در خصوص کلیات و قوانین مطبوعاتی ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۳۲ ارائه گردیده است.

این کتاب در یک نمای کلی از هفت‌بخش (فهرست اسناد، مقدمه، پیشگفتار، متن اسناد، پیوست‌ها، تصاویر و فهرست اعلام) تشکیل شده است. در مقدمه این کتاب (ص ۱۵) ناشر ضمن تذکر این نکته که «... ارزش هر اثر تاریخی بستگی تام به میزان اتکای آن به اسناد دارد و آنکه دستی در کار پژوهش دارند خوب می‌دانند که از رهگذر دست‌یافتن به سند و مدرک است که برغنا و اعتبار نوشته خود می‌افزایند...»

منشأ اسناد مورد بحث در این مجموعه، «اسناد راكد همه ادارات دولتی» اعلام شده که سازمان اسناد ملی ایران در جهت استفاده

مطبوعات در این دوره است. به عنوان مثال می توان از واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ش، نام برد که یکی از مهمترین فرازهای تاریخ مطبوعات ایران (توقیف عمومی مطبوعات در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ش) است. در کتاب مورد بحث هیچ اشاره‌ای به عوامل پدیدآورنده این توقیف و چگونگی ارائه و تصویب پیامدهای آن که شامل تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات و نیز اصلاحیه قانون مطبوعات در دی ماه ۱۳۲۱ ش، می شود، نشده است. علت عدم اشاره به این واقعه تاریخی در اسناد مورد بحث چیست؟ آیا به راستی در سازمان اسناد ملی ایران سندی راجع به وضعیت مطبوعات ایران در آذرماه ۱۳۲۱ ش، وجود ندارد؟ و از پیامدهای این واقعه، تنها دو سند کوتاه (اسناد شماره‌های ۱۶ و ۱۷) موجود است؟

پنجم: علت قرارداد برخی از اسناد بدون تاریخ در لابه لای اسناد دیگر مشخص نیست. به عنوان مثال سند (شماره ۹۶) بدون تاریخ سربزرگ است. ولی در ابتدای آن، نامه به مراسله مورخ ۱۳۲۴/۴/۹ بازگشت داده شده است. سند قبلی (شماره ۹۵) تاریخ ۲۴/۱۱/۲۹ را دارا است و سند بعدی آن (سند شماره ۹۷) اساساً فاقد هرگونه تاریخ است و سند شماره ۹۸ مورخه ۲۴/۵/۹ است. درحالی که سند شماره ۹۷ می توانست پس از سند (شماره ۱۰۴)، (مورخ ۲۴/۹/۲۰) نیز قرارگیرد.

از سوی دیگر سند (شماره ۲۹) که فاقد هرگونه تاریخ است شامل یک طرح قانون مطبوعات است. پس از سند (شماره ۲۸)، مورخ ۱۳۲۲/۱/۸ آورده شده است. مروری بر مفاد طرح مذکور و توجه به مواد سوم و بیست و ششم آن طرح مارا به این نکته رهنمون می سازد که اگر این طرح پس از دی ماه ۱۳۲۱ ارائه شده بود، قطعاً در آن به مفاد اصلاحیه قانون مطبوعات مورخ دی ماه ۱۳۲۱ اشاره می شد. در نتیجه طرح مذکور می باید در فاصله فروردین تا آذر ۱۳۲۱ ارائه شده باشد. و قرارداد آن در ردیف اسناد سال ۱۳۲۲ اشتباه بوده و سبب گمراهی مراجعه کنندگان به کتاب می شود.

ششم: یکی از مهمترین نکات در این کتاب، عدم انطباق مندرجات پیشگفتار با محتوای اسناد ارائه شده است، در پیشگفتار عنوان شده است: «... دومین قانون [مطبوعات] شامل پنج فصل و ۴۶ ماده و ۱۱ تبصره و ۱ متمم با ۸ ماده در بهمن ۱۳۳۱ ش، به تصویب

رسید. اسناد این مجموعه (از سند شماره ۱۵۷ به بعد) نشانگر بازتاب قانون اخیر در سطح جامعه است و واکنش مدیران مطبوعات و دیگر گروهها نسبت به تشکیل کمیسیون تهیه قانون مطبوعات بیانگر واهمه همه گروههای مختلف نسبت به لایحه مذکور است...». در حالی که آخرین سند ارائه شده در این مجموعه (سند شماره ۲۰۱) به تاریخ ۱۳۳۱/۱۰/۲۴ است. به تعبیر این نوشته قانون مطبوعات مورد اشاره در بهمن ۱۳۳۱ ش، به تصویب رسیده، ولی ایراداتی که به اجرای آن گرفته می شده مربوط به قبل از تصویب بوده است!!

برای درک این نکته به راهنمایی کوششگران محترم کتاب مروری به اسناد مندرج در کتاب و نیز پیوست آن خواهیم داشت. در سند (شماره ۱۸۷) مورخ ۲۱ دی ۱۳۳۱ از زبان مرتضی قلی بیات آمده است: «... اصولاً چون لایحه قانونی مزبور به تصویب جناب آقای نخست وزیر رسیده و در محله اجرا است این جانب نمی توانم به مواد لایحه مزبور اظهار نظری بنمایم...» علاوه برآن در اسناد شماره ۱۸۸ تا ۲۰۱ به قانون مطبوعات یازدهم آذر ۱۳۳۱ ش، اشاره شده است. در بخش پیوست کتاب نیز ذیل شماره ۱۰ آمده است: «لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات ماده اول: به آخر ماده ۲۶ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۹/۱۱ جمله ذیل اضافه می شود...»

حال چگونه می شود قانونی در بهمن ماه ۱۳۳۱ به تصویب برسد ولی اجرای آن از آذر ۱۳۳۱ آغاز شود و اساساً کدام یک از اسناد این مجموعه، تاریخ بهمن ۱۳۳۱ را دارد که بتوان عنوان نمود «... اسناد این مجموعه نشانگر بازتاب قانون بهمن ۱۳۳۱ می باشد...» (ص هجده).

جست و جو و یافتن علت این تناقض ما را به نکته مهمی رهنمون ساخت. اجازه بدهید قبل از بیان این نکته اشاره دوباره‌ای به مندرجات پیشگفتار (ص هجده) داشته باشیم. در آنجا کوششگران محترم عنوان داشته اند: «... در دوره مورد بحث [۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش.] با دو قانون مواجه هستیم... و البته ناگفته نماند که در بیان این یافته تاریخی به فهرستی از کتابهای تدوین شده در زمینه تاریخ مطبوعات نیز اشاره کرده‌اند. که باید در این زمینه بیان داشت:

۱. آنچه که در دی ماه ۱۳۲۱ ش، در رابطه

با مطبوعات به تصویب مجلس شورای ملی رسید، اصلاحیه قانون مطبوعات بود و نه قانون مطبوعات.

۲. پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده تاریخی که بدون استفاده از اسناد مورد بحث انجام گردیده نمایانگر آن است که در طول دوره مورد بحث (۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش) دو اصلاحیه مطبوعاتی: یکی در دی ماه ۱۳۲۱ ش، (معروف به اصلاحیه یا قانون مطبوعات قوام السلطنه) و دیگری در اسفندماه ۱۳۲۷ ش، (معروف به لایحه یا قانون مطبوعاتی اقبال - زنگنه) و نیز دو قانون جامع مطبوعاتی یکی اولین قانون مطبوعات مرحوم دکتر مصدق مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱ ش، و دیگری دومین قانون مطبوعات مرحوم دکتر مصدق مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ ش، وجود دارد. در نتیجه قانون مطبوعاتی که در اسناد پایانی مجموعه مورد بحث به آن اشاره می شود، اولین قانون مطبوعات مرحوم دکتر مصدق است که در مهرماه ۱۳۳۱ ش، طرح آن برای نظرخواهی به معرض افکار عمومی گذاشته شد و پس از آن در آبان ماه همان سال کمیسیون مخصوصی برای تدوین نهایی این طرح مشغول به کار گردید. در نهایت در ۱۱ آذر ۱۳۳۱ ش، مرحوم دکتر محمد مصدق با استفاده از قانون اختیارات خود اولین قانون مطبوعاتی خود را تصویب کرد و به مورد اجرا گذارد. اعتراض شدید احزاب، گروهها، دست‌اندرکاران مطبوعات و رجال سیاسی به اجرای قانون مذکور سبب شد دو ماه بعد مرحوم دکتر مصدق آن را لغو و قانون جدید مطبوعات را در ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ ش، به معرض اجرا گذارد.

چاپ اسناد به طور اعم و اسناد مطبوعات به طور اخص کاری است پسندیده و بس مهم. ولی باید به این موضوع توجه داشت که بسیاری از نامه‌ها و گزارشها هستند که قرارداد آنها تحت عنوان سند تاریخی، باعث گمراهی پژوهندگان تاریخ می شود.

در پایان این نوشتار، امیدواریم با توجه به دیگر مجموعه‌های اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران (نظیر اسناد بیوتات) شاهد انتشار مجموعه دیگری از اسناد مربوط به کلیات و قوانین مطبوعاتی در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۲ باشیم.

حاشیه:

۱. اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۳۲۸ ه. ش) کاره بیات،

مسرد کوهستانی نژاد. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲